

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

afgazad@gmail.com www.afgazad.com

Political

سیاسی

نشریه سوسیالیسم کارگری-۴۵  
۱۴ مارچ ۲۰۱۹

## سخن سردبیر

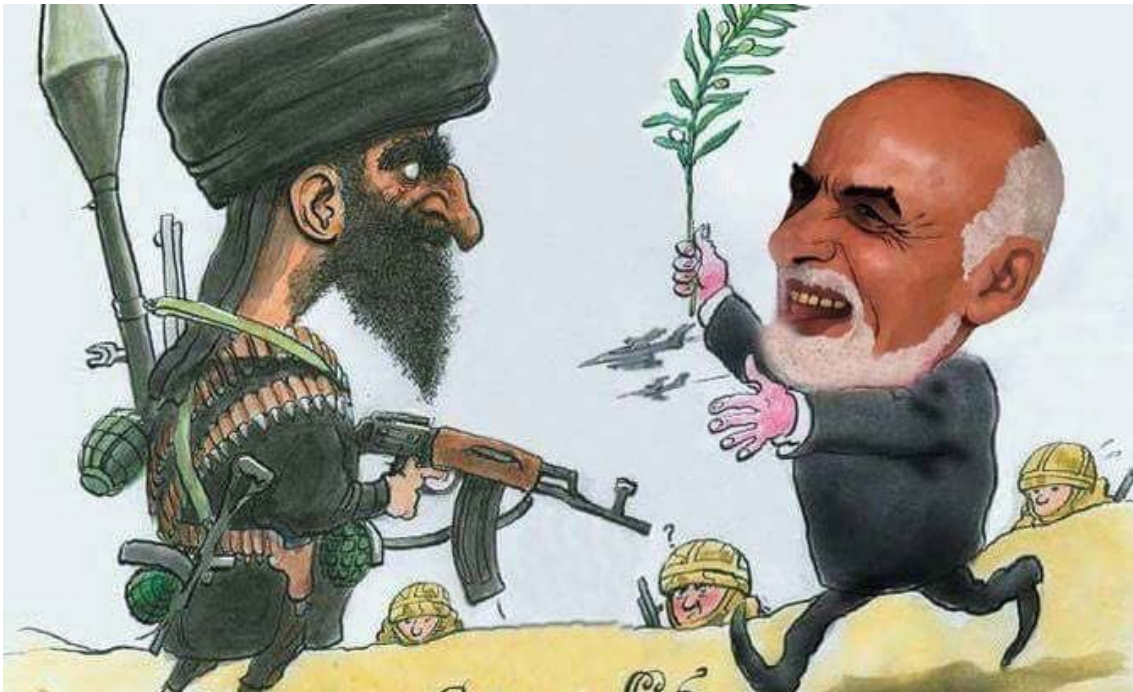


باز هم به استقبال روزی می رویم که بنیادش بر مبارزه علیه ستم مضاعف و رفع نابرابری جنسیتی از زنان استوار است. مبارزه ای که اساساً از اعتقاد به برابری انسانها صرف نظر از هرگونه تعلقی آب می خورد و تحقق اهداف سوسیالیسم یعنی الغای کلیه مناسباتی که در آن موقعیت برتر یک انسانی بر انسان دیگر در رابطه شان با تولید و مناسبات تولید تعیین می گردد، می تواند متضمن تجسم مادی اش در جهان باشد.

آری! سخن از تجلیل هشتم مارچ، روز جهانی زن است.

سیر تحول این مبارزه از آغاز تا به حال مسیر پر پیچ و خمی را پیموده است. با آن که مرد سالاری و موقعیت غالب مرد در جوامع طبقاتی ناشی از موقعیت و نقش مرد در تولید و مناسبات تولید می باشد، دین همواره نقش باز دارنده مؤثری در امر رهایی زنان داشته و در جوامعی که هژمونی دین در آنجا سایه افکنده است، از هر امکانی برای گشوده

شدن کوچکترین مجرائی در مسیر بهبود موقعیت زنان، حتی از امکان ورود آنها به اجتماع، جلو گرفته شده است و هر قدر قرانت از دین متحجرتر باشد، سیه روزی و فرودستی زنان به همان تناسب گسترده تر و عمیق تر است.



سیر فقهرائی موقعیت زنان در افغانستان با فراز و فرودهایی همچنان ادامه دارد. هجده سال قبل بیشتر از چهل کشور سرمایه داری به منظور تأمین منافع آزمندانۀ اقتصادی و سیاسی خویش در تبنانی با واپسگرایان دیگری که با طالبان در رقابت و عداوت به سر می بردند و به بهانه هائی چون سرکوب افراطیت طالبانی و تأمین آزادی و مصونیت زنان ... به افغانستان یورش آوردند وگویا قرار بود این سرزمین را به محل امنی برای مردم و به ویژه برای زنان تبدیل نمایند، مگر طی این سالها گام به گام از تحقق ادعاهای اولیه شان نه تنها عقب نشستند بلکه امروز با آوردن دوبارۀ طالبان به اریکه قدرت؛ در صدد اند تا آن دائره خبیثه را بار دیگر دور زنند و تکمیل نمایند، بنابراین وضعیت موجود آنگونه که توسط رسانه ها و نظریه پردازان و نهادهای سرمایه جهانی تبلیغ می گردد، صرفاً محصول "طبیعت خشن مردان" این سرزمین نیست. "طبیعت خشن مردان" نه علت، که خود معلول شرایط اجتماعی نظام اقتصادی و سيطرة ایدئولوژیک نیروهائی است که در افغانستان حاکمیت داشته و دین و سنت های ارتجاعی منبعث از آن به آن مشروعیت می دهد. امریکا و متحدانش نجات زنان از چنگال امارت اسلامی طالبان را بهانه ای برای آغاز تهاجم شان به افغانستان عنوان نمودند؛ در هم شکستن امارت اسلامی طالبان در آن زمان، در حقیقت پاسخ به یک نیاز سیاسی جهت تأمین منافع اقتصادی امریکا بود.

در آن مقطع ادعای پایان تاریخ و تسلط بلامنازع نیولیبرالیسم بر جهان، احتمال عروج قدرتهای دیگر مخصوصاً روسیه و چین را در عرصه اقتصادی و مخصوصاً نظامی، کمتر محتمل می پنداشت. اما بعد از هجده سال، اکنون دیگر تکنیک های بازی عوض شده و تصور می شود که همسو کردن فعالیت نیروهائی که در زمین های مختلف بازی می کردند، کارائی بیشتری داشته باشد.

البته آنگونه که مشاهده می گردد، همه روندهای این پروسه به دلایل مختلف از جمله تأثیر بحران های اقتصادی که هنوز ادامه دارد و عروج بازیگران جدید در صحنه نمی تواند بر اساس سناریوی تهیه شده توسط کارگردانان این

نمایشنامه باشد. همین امر سبب ایجاد جذر و مد هائی گردیده و سبب تغییر اولویت ها و متناسب به آن قاعده بازی می گردد.

تلاش برای ادغام طالبان در بدنه دولت و حکومت فرایند تغییر اولویت هائی است که کلمه صلح به جای دموکراسی و شعار دفاع از آزادی زنان قرار می گیرد.

روشن است در حاکمیتی که موقعیت زن بر اساس و محور شریعت تعیین گردد، چه سرنوشتی در انتظار زنان قرار خواهد داشت. در دموکراسی نیم بند بورژوائی حاکم که در بهترین حالت فقط می تواند زمینه بُرد نیروهائی را که در عرصه اقتصادی مسلط اند، مهیا سازد؛ زنان که در کنار اپارتاید جنسیتی مبتنی بر سنت ها و باورهای مذهبی و مردسالار قربانیان نابرابری اقتصادی هم هستند، نمی توانند به تسلط مرد بر زندگی شان نقطه پایانی نهاده و به ارزش ها و حقوق انسانی شان دست یابند.

گنجاندن زنان در ترکیب هیأت مذاکرات صلح نیرنگی است از طرف فرادستان که آموخته اند علاوه بر همپالگی های خود شان، قربانیان شان را نیز همراه با خود بسیج نمایند. موجودیت فزیکتی زنان در چانه زنی ها برای کسب ترحم از نمایندگان طالبان که بر طبل شریعت کوبیده و حقوق زنان را در چوکات احکام شریعت به رسمیت می شناسند، صحنه های کمیک و در عین حال به شدت تراژیکتی را رقم زده است. خانم فوزیه کوفی نماینده پارلمان که به قهرمان عده ای "فمینیست"، که بدون درک میکانیسم رابطه طبقاتی به عنوان عامل اصلی موقعیت فرودست زنان، فقط دنبال برابری انتزاعی زنان با مردان هستند، تبدیل شده است، جلسه با طالبان را دریچه امید به آینده بهتر برای زنان انگاشته و با تأکید بر این که زنان در افغانستان مایل نیستند به عقب برگردند، از دوستان و برادران طالب خواهش و تمنا می کند که در فردای دست یافتن به قدرت، به حقوق زنان توجه نموده و از خواسته های زنان حمایت نمایند.

خانم کوفی که به نمایندگی از زنان صحبت می-نماید، در عین حال ادعا می کند که زنان در افغانستان مایل نیستند به عقب برگردند که به نیت بیان شده در اعلامیه پایانی تجمع مسکو و تأکید بر عملی کردن شریعت اسلامی در فردای صلح با طالبان، و مهمتر از آن تضادهای عینی موجود در ساختار نظام اقتصادی حاکم که در برابر خواست برابری زن با مرد قرار دارد، توجه نمی کند.

باز شدن فضای بیشتری برای زنان با اشغال افغانستان توسط نظامیان ناتو، خلاف آن که دادن آزادی برای زنان پنداشته می شود، ایجاد فرصتی برای استفاده از نیروی کار آنها بوده است. اما چون شرایط متعارف کار برای زنان و امکان خلق ارزش اضافی توسط آنها میسر نیست، در انقیاد کشیده شدن مجدد آنها در نتیجه ادغام طالبان در دولت، تأثیری آنی در امکان انباشت بیشتر سرمایه برای نیروهای ذیدخل ندارد. اما از جانب دیگر، امکان کسب در آمد توسط عده ای از زنان و کسب نسبی بی نیازی اقتصادی، و متناسب با آن کسب آزادی، در عمل به زنان نشان داده است که در واقع نسبت بی نیازی اقتصادی با طول شعاع آزادی آنها رابطه مستقیم دارد. به این معنی که فرودستی و وابستگی زنان به مردان دلیل اقتصادی دارد و نمی تواند با توصیه، خواهش و نصایح اخلاقی تغییر نماید. به همین دلیل راه ایجاد برابری واقعی زن ها با مردان، از کوره راه مبارزه مشترک علیه علت این نابرابری، یعنی نابرابری اقتصادی و مبارزه بی امان طبقاتی علیه آن می گذرد. یعنی به همان سر آغازی که جنبش بین المللی زنان را در شیکاگو رقم زد.

سازمان سوسیالیست های کارگری بر این باور است که علی رغم آن که مبارزه طبقاتی هر زمان و به اشکال گوناگون در جریان است، برابری قانونی زن با مرد که شریعت هیچ گاهی نمی تواند آن را بر بتابد، و سیکولاریسم، پیش زمینه ای به سوی آغاز حرکت سیستماتیک در راه کسب برابری واقعی زن با مرد است. به باور ما فمینیسم با آن که با سماجت آزادی زن و برابری آنها را با مرد عنوان می کند، به این دلیل پا نمی گیرد که جنبش شان پایه طبقاتی نداشته و

صرفاً آزادی انتزاعی زنان را تبلیغ می نمایند. با این وصف ما از تلاش برای برابری قانونی زن و مرد و هر حرکتی که مرزهای مرد سالاری و ستم جنسیتی بر زنان را به عقب براند، حمایت می نماییم و در این امر که با خزیدن طالبان در قدرت دولتی و اعمال قوانین شریعت اسلامی در افغانستان، زنان را به حاشیه رانده و به مرد سالاری و ادامه آن میدان می دهد، تردیدی نداریم.